



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۴۰۵
مصادف با: ۷ ربیع الثانی ۱۴۴۸
جلسه: ۱

موضوع کلی: قاعده اضطرار
موضوع جزئی: قواعد قریب به قاعده اضطرار

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

امروز درس با تأخیر شروع شد و لذا ناچاریم کمتر وقت بگذاریم و ان شاء الله از جلسه آینده این بحث را مبسوط تر دنبال کنیم.

قواعد قریب به قاعده اضطرار

عنوان بحث ما قاعده اضطرار است. چند قاعده نزدیک به این قاعده یا به تعبیر دیگر مشابه با این قاعده وجود دارد که به نظر می‌رسد نیاز است پیرامون این قواعد و اختلاف و تفاوت میان آنها توضیحی بیان شود. ممکن است به ذهن بیاید چرا با این شباهت‌هایی که بین این مفاهیم وجود دارد، اینها را تحت یک عنوان مجتمع نمی‌کنند یا اساساً به نظر برسد که این تکرار است و ضرورتی ندارد. اما لازم است توضیح بدهیم که این قواعد با هم متفاوت هستند؛ الفاظ و واژه‌هایی که در این قواعد به کار رفته، معانی متفاوتی دارند؛ هرچند ممکن است تداخل‌هایی بین این واژه‌ها از حیث مورد و مصداق باشد یا تداخل در موارد و مصادیق آن قواعد باشد.

قواعدی که به نظر می‌رسد باید توضیح داده شوند، یکی همین قاعده اضطرار است که از آن گاهی با عنوان «الضرورات تبیح المحظورات» یاد می‌کنند یا «کل حرام مضطر الیه فهو حلال» را به کار می‌برند؛ یعنی هر حرامی که اضطرار به آن پیدا شود، حلال است. البته این دو تعبیر با هم تفاوت‌هایی دارند که بعداً عرض خواهیم کرد؛ ولی بالاخره یک عنوان در اینجا همین قاعده اضطرار است. یکی قاعده ضرر است؛ یکی قاعده لاجرح است؛ یکی قاعده اکراه و یکی هم قاعده تقیه است. همانطور که اشاره شد، اینها شباهت‌هایی با هم دارند ولی در عین حال متفاوت هستند؛ لذا شما می‌بینید که در کتاب‌های قواعد فقهی، از هر یک از این قواعد جداگانه بحث می‌کنند و مفاد و مستندات و ادله و تطبیقات آنها را بیان می‌نمایند؛ البته در تطبیقات معلوم می‌شود که اینها بعضاً تداخل دارند و ممکن است یک موردی بتواند مصداق برای چند مورد از این قواعد قرار بگیرد. برای اینکه تفاوت این قواعد با یکدیگر آشکارتر شود، ما باید به بیان چند واژه بپردازیم و تفاوت‌های اینها را بیان کنیم. ما چند لفظ و اصطلاح داریم:

یکی اضطرار است؛ اساساً اضطرار به چه معناست؟

دوم، ضرورت است؛ آیا اضطرار با ضرورت تفاوت دارد؟

سوم، عسر و حرج است؛ آیا اضطرار غیر از عسر و حرج است یا اینکه به یک معنا هستند؟

چهارم، اکراه است؛ آیا اکراه با اضطرار تفاوت دارد؟

پنجم، اجبار است. اگر کسی را مجبور به یک کار کنند، مثلاً او را مجبور به شرب خمر کنند یا او را مکره بر شرب خمر کنند،

چه فرقی اینجا وجود دارد؟ آیا اساساً در این دو اضطرار صدق می‌کند؟ یعنی اگر مثلاً کسی مکره به شرب خمر شد، اینجا عنوان مضطر به شرب خمر بر او صدق می‌کند یا اگر کسی را مجبور بر شرب خمر کردند، اینجا می‌توانیم بگوییم مضطر به شرب خمر شده است؟ لذا قلمرو این واژه‌ها خیلی به هم نزدیک است.

دیگری تقیه است. البته قاعده تقیه بیشتر در حوزه اعمال و مناسک دینی یا حتی عقاید دینی معنا پیدا می‌کند؛ مثلاً کسی در مقابل مخالفان از نظر بیان عقاید یا عمل و رفتار عبادی، مطابق رأی و نظر آنها عمل کند. آیا این همان مورد اضطرار است؟ بین اینها چه فرقی است؟ براساس قاعده تقیه، اگر کسی در نماز جماعت اهل سنت شرکت کند می‌تواند بر طبق نظر آنها نماز را برگزار کند؛ حالا اختلاف است در اینکه آیا این نماز مجزی است یا نه؛ به نظر ما این نماز مجزی است و قاعده تقیه ثابت می‌کند که ما می‌توانیم نماز را مشابه آنها بخوانیم. البته این یک مثال ساده است، چون قلمرو تقیه محل بحث است که آیا اختصاص به مخالفان دارد یا شامل سایر فرق هم می‌شود یا حتی غیرمسلمین؛ آیا در برابر اهل کتاب می‌توان تقیه کرد؟ قاعده تقیه از یک جهت می‌تواند متداخل با اضطرار باشد. همانطور که عرض کردم، در قاعده اکراه گفته می‌شود اگر کسی مورد تهدید واقع شد (حالا یا تهدید جانی یا مالی یا آبرویی) که اگر مثلاً روزه بگیرد یا روزه خودت را نخوری، ما با تو فلان کار را می‌کنیم؛ یا مثلاً اگر شراب نخوری، به ماشین یا خانه تو آسیب می‌زنیم؛ این اکراه است. بالاخره این هم اضطرار است؛ حالا آیا بین اکراه و اضطرار فرق است؟ در مورد اجبار هم همینطور است؛ در مورد اجبار همین بحث مطرح است. البته ما چیزی به نام قاعده اجبار نداریم؛ مضمون قاعده اضطرار آیا این است که اگر انسان مجبور شد مرتکب حرام شود، فهو له حلال؟

در مورد قاعده عسر و حرج هم اگر یک فعل یا عملی برای انسان حرجی شد، مثلاً روزه برای کسی حرجی شد، آیا او می‌تواند روزه نگیرد؟ ادله در اینجا چه اقتضائی می‌کند؟ روزه گرفتن اگر موجب حرج شود، معنایش آن است که اضطرار پیدا کرده است؟ اینجا بحث ضرر نیست، بحث اکراه و اجبار نیست؛ اما اگر مثلاً بخواهد روزه بگیرد یا یک عملی را انجام بدهد، به حرج شدید می‌افتد. لذا به واسطه شباهت‌هایی که بین این قواعد وجود دارد و قرابت‌هایی که این الفاظ و واژه‌ها دارند، ما باید یک توضیحی راجع به این الفاظ بدهیم؛ این به ما کمک می‌کند که قاعده اضطرار را بشناسیم. بنابراین الفاظی که نیاز به توضیح دارند، عبارتند از: اضطرار، ضرورت، اکراه، اجبار، عسر و حرج، ضرر، تقیه؛ البته تقیه شاید کمتر نیاز به توضیح داشته باشد. همانطور که در ابتدا عرض شد، این جلسه به دلیل اشکالی که در کار فنی به وجود آمد، دیر شروع شد و فعلاً همین مقدار کافی است؛ توضیح این الفاظ و اختلاف و مایز بین قاعده اضطرار را در یک بیان اجمالی موکول به جلسه آینده می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»